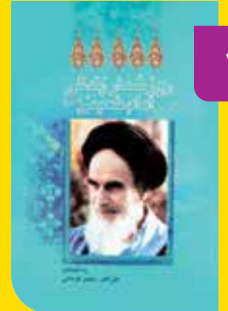


روزشمار زندگی امام خمینی



■ علی اکبر رنجبر کرمانی
■ مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی

این کتاب به حکایت‌هایی درباره زندگی روزانه حضرت امام خمینی، رضوان الله علیه، می‌پردازد و همچنین سیر کلی حیات پربرکت ایشان را به چهار دوره تقسیم می‌کند: دوره اول که ایشان فردی عادی بودند و حوادث زندگی‌شان هم عادی و شبیه به زندگی میلیون‌ها انسان دیگر بوده است، اما توانسته‌اند مدارج علمی و اخلاق عملی را طی کنند و به چهره‌ای شاخص تبدیل شوند.

عصر امام خمینی



■ احمد رضا حاجتی
■ مؤسسه بوستان کتاب قم

امام خمینی با تاسی به آموزه‌های اسلام ناب بسیاری از مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان معاصر را عمیقاً متحول ساخت. این کتاب درباره «حال» سخن می‌گوید که این انقلاب بزرگ تاریخی چگونه توانست «حال» را تسخیر کند و مسلماً برای این مهم باید قبلاً ماهیت و چیستی این انقلاب و رهبر آن نیز روشن شده باشد که در این کتاب مفصلاً به آن پرداخته شده است.

الگوی رهبری امام خمینی

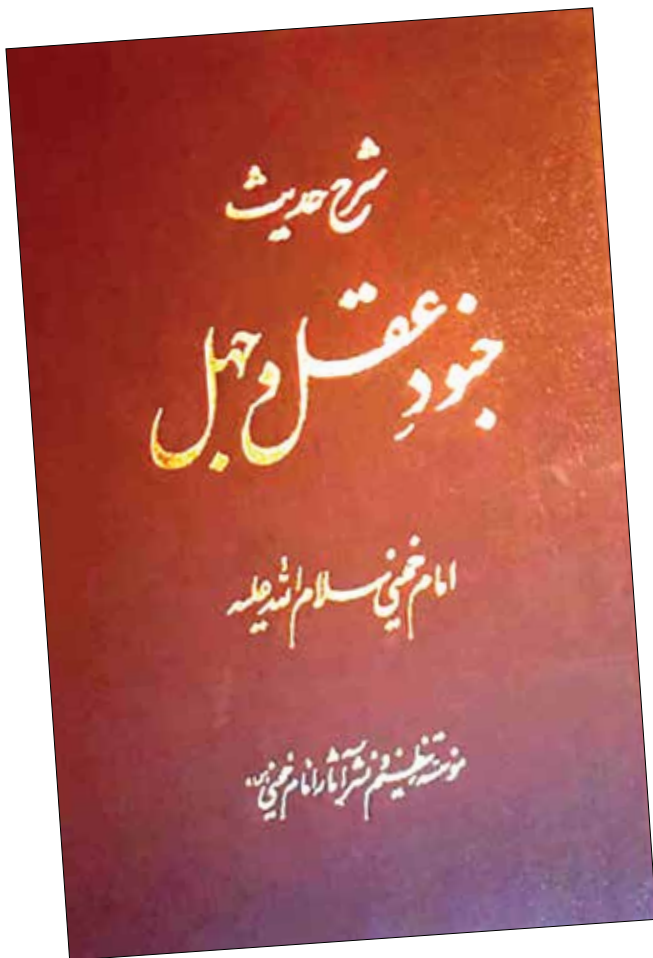


■ عباس شفیعی
■ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

رهبری امام خمینی در عصر حاضر پدیده‌ای منحصر به فرد است که نظریه‌پردازان جهان معاصر را مسحور و متعجب ساخته است. تدوین و بررسی الگوی رهبری آن مرد فرزانه می‌تواند سر مشقی نیکو برای رهبران و مدیران اسلامی در سطح کلان و خرد باشد. الگوی مدیریت بر قلوب به عنوان الگوی رهبری امام راحل شناخته شده که دارای عناصری همچون «انگیزه الهی»، «تکلیف‌مداری» و «مردم‌داری» است.

کلید فهم عبارات سیاسی امام

نگاهی به شرح حدیث جنود عقل و جهل



مهدی فدایی مهربانی
استادیار دانشگاه تهران

حدیث جنود عقل و جهل حدیثی اخلاقی از امام صادق (ع) در تشریح چگونگی آفرینش عقل و جهل و همچنین سپاهیان هرکدام از آن دو است. طبق این روایت، خیر، ایمان، تصدیق حق، امید، عدل، خوش‌بینی، سپاس‌گزاری، توکل، دانایی، وفاداری، استغفار، نشاط و نرم‌دلی از جمله سپاهیان عقل و در مقابل، شر، کفر، انکار حق، ناامیدی، ستم، بدبینی، کفران نعمت، آز و حرص، سخت‌دلی، پیمان‌شکنی، دروغ و سستی از جمله سپاهیان جهل هستند. در این حدیث که به روایت سماعه بن مهران نقل شده، امام صادق (ع) در جمعی از دوستان خود برای هر کدام از عقل و جهل، ۷۵ لشکر ذکر می‌کند که در برگزیده بسیاری از فضائل و ردائیل اخلاقی است. یکی از مهمترین شرح‌های حدیث جنود عقل و جهل توسط امام خمینی در کتاب شرح حدیث، جنود عقل و جهل ارائه شده است.

مشکل ما دانشجویان علم سیاست در خوانش امام خمینی همواره این بوده که از کتب ولایت فقیه و یا نهایتاً کشف‌الاسرار فراتر نمی‌رویم، اما برای فهم اندیشه سیاسی امام باید به آثار عرفانی امام نظیر «مصباح الهدایه»، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «شرح دعای سحر» و ... مراجعه کرد. چه اینکه امام خمینی یک فقیه است، اما یک فقیه فیلسوف و عارف است. امام مفاهیمی را که به کار می‌برد، حتی در اندیشه سیاسی‌اش، برخاسته از نظام معنایی عرفانی امام بود. یعنی امام بر مبنای یک سامانه عرفانی فهم حقیقت به همه چیز می‌نگریست و همین نقطه پیوند نظام معنایی عرفانی و اندیشه سیاسی امام بود. شما در جای جای آثار امام رد پای ابن عربی یا به بیان امام «شیخ اکبر» را می‌بینید. به لحاظ حکمی هم امام دعب حکمای الهی را اختیار کرده است؛ غالب هم‌دوره‌های امام اذعان دارند که امام اگرچه در فلسفه و عرفان تبحر داشت، اما به هنگام مباحث عرفانی اوج داشته است. فلسفه

بقبولانند که امام صرفاً یک فقیه بوده؛ شما می‌دانید که در سال‌های اخیر جریان‌ات ضد فلسفه و عرفان خیلی رشد کرده‌اند. برخی گویا تمام زندگی خود را رها کرده‌اند و به مجاهدت علیه ملاصدرا و ابن عربی و مولوی برخاسته‌اند و مدام در میان هزاران برگ از عبارات نورانی ایشان پرسه می‌زنند تا تک جمله‌ای پیدا کنند و آن را پیراهن عثمان کنند که اینجای کلام ملاصدرا مثلاً با آنجای اسلام تناقض دارد! ببینید بی جهت نیست که ملا احمد نراقی هم که یک فقیه عارف مشرب است از «ملامت» این افراد وحشت داشته و می‌گوید «از بیم ملامت رهم از میکده بسته است / از خانه ما کاش به میخانه دری بود!» امام هم خود در شرایطی زندگی کرد که مجبور بود پنهانی فلسفه بخواند. حتی مرحوم آیت‌الله بروجردی که فلسفه را در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقایی آموخته بود و در نجف هم مخفیانه فلسفه خوانده بود، مجبور شد کلاس‌های فلسفه علامه طباطبایی را

امام هم میانه عرفان و فلسفه است. از این جهت امام منش صدرایی دارد. شما وقتی امام را با ملاصدرا مقایسه می‌کنید می‌بینید منش امام واقعاً منش صدرایی است. جدای از مباحث فلسفی صدرایی امام که در تقریرات ایشان آمده، زندگی امام هم شبیه صدر است. می‌دانید که صدرا به جهت فلسفه‌ورزی و منش عرفانی‌اش همواره مورد طعن و لعن فقه‌های ظاهراندیش بوده است؛ امام هم چنین بوده است. صدرا را تکفیر و به روستای کهک تبعید کردند. در تراجم آمده روزی یکی از علمای ظاهری وقتی با میرزا ابراهیم از نوادگان صدرا مواجه شده بود، گفته بود: «و هو فی الحقیقه مصداق یخرج الحی من المیت!» در مورد امام هم همینطور است. امام در جایی به این سختی‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی، از کوزه‌ای آب نوشید؛ کوزه را آب کشیدند چرا که من فلسفه می‌گفتم!» برخی امروزه سعی دارند